

آشنایی با یک مترجم

عبدالعلی براتی

آقای براتی، لطفاً کمی از خودتان بگویید. زبان انگلیسی را چگونه یاد گرفتید؟ چطور شد که به ترجمه روی آوردید؟



عبدالعلی (مجید) براتی هستم. زبان انگلیسی را بین سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ در زندان قصر فرا گرفتم. حضور اساتید برجسته در زندان فرصت مغتنمی برایم فراهم آورد تا به مطالعه ادبیات و متون اجتماعی و تاریخی به زبان انگلیسی پردازم و پرسش‌های خود را از دوستان عزیز هم‌بند که همیشه در دسترس بودند بپرسم. بسیاری از آثار چارلز دیکنز، همینگوی، جک لندن و بسیاری از متون تاریخی مانند نبرد من آدولف هیتلر و تاریخ جنگ جهانی

دوم را در آنجا مطالعه کردم. وقت زیادی در اختیار داشتیم و خبرگان اهل علم و ادب در دسترس و همیار. با ترجمه‌های بزرگانی چون محمد قاضی، به‌آذین، شجاع‌الدین شفا آشنا شدم و بهره بسیار گرفتم. برخی متون کلاسیک مانند دیوان حافظ و سعدی و مولانا و شاهنامه فردوسی را جمعی مطالعه می‌کردیم و از محضر اساتید و ادیبان بهره بسیار می‌گرفتیم. در سال ۱۳۵۶ کتاب پژوهشی چند درباره هندوستان را ترجمه کردم و انتشارات گوتنبرگ آن را به چاپ رساند. پس از انقلاب در دانشگاه آزاد در رشته مترجمی زبان انگلیسی لیسانس گرفتم و در همان ایام مجموعه‌های دو زبانه‌ای از سخنان بزرگان ترجمه کردم، از جمله دل به رویاها سپار، صدای سخن عشق، آفتاب در سایه، بشنو از این خموش که با استقبال جوانان روبه‌رو شد. از دیگر کارهایم ترجمه مجموعه داستان کوتاهی از ناتانیل هاتورن به نام یاقوت ثمین بود. جهت ادامه تحصیل در مقطع دکترا در دانشگاه بمبئی ثبت‌نام کردم ولی متأسفانه به دلیل مشکلات کاری نتوانستم کار را به پایان برسانم. من مدیر چارترینگ کشتیرانی هستم و لذا درآمد زندگی من از این راه تأمین می‌شود. در کنار شغل اصلی‌ام به کار ترجمه نیز می‌پردازم.

چه تعریفی از ترجمه دارید؟ کدامیک از مترجمان را الگوی خود در ترجمه می دانید؟ چرا؟

ترجمه رمزگشایی از زبان مبدأ در زبان مقصد است. انتقال محتوا و شکل تا سر حد امکان به گونه‌ای که در عین حفظ امانت، زیبایی و ظرافت‌های زبانی، لحن و سبک، ایجاز، و دیگر دقایق از سوی مترجم رعایت شود، به دور از هرگونه شتابزدگی و شلختگی. ترجمه، ملت‌ها و اقوام را به یکدیگر نزدیک می‌کند و می‌تواند نقش مؤثری در درک متقابل مردم جهان از هم داشته باشد و به همین دلیل کاری است سترگ و بس گرانقدر.

در حال حاضر شرایط ترجمه حرفه‌ای را چگونه می‌بینید؟ به نظر شما مترجمانی مثل خودتان چه مشکلاتی دارند؟

ترجمه حرفه‌ای کاری بس دشوار است. تیراژ کتاب پایین است و ناشران به استثناء معدود ناشران معتهد و فرهیخته، در برابر کارهای ارزشمند مترجمان چندان به قول و قرارهای خود پایبند نیستند. مترجمی که منبع درآمدی غیر از ترجمه ندارد با دشواری‌های بسیار روبه‌روست. کار ترجمه کاری طاقت‌فرسا و زمان‌بر است. مترجم باید دغدغه اجاره منزل و معاش روزمره را نداشته باشد تا بتواند کار کند. شتابزدگی برخی ناشران در انتشار آثار جدید و سودورزی افراطی موجب شده که ترجمه‌هایی نه چندان دقیق و سرشار از اشتباهات ساختاری از سوی مترجمان تازه‌کار به بازار عرضه شود. شبکه‌های اجتماعی، هجوم مطالب پراکنده و در عین حال جذاب خود عامل دیگری در افت تیراژ کتاب و تنبلی کتاب‌خوانان بالقوه در خرید کتاب است. اگر همه ناشران اهل قلم و اهل کتاب باشند و دغدغه فرهنگ داشته باشند تا دغدغه سود کلان، می‌توان امیدوار بود که کارهای عرضه‌شده به مراتب بهتر و ارزشمندتر باشد. سرقت کتاب و افسد کردن غیرقانونی و زیرزمینی از دیگر مواردی است که ضرر زیادی به ناشر اصلی و مترجم می‌زند.

انتشار سیری در *ادیان جهان* را که به چاپ دوم رسیده تبریک می‌گوییم. با توجه به موضوع کتاب که تبیین آرای ادیان مختلف است، چقدر با مشکل ممیزی روبه‌رو بودید؟

ترجمه کتاب را در هندوستان شروع کردم. به دلیل تنوع و پیچیدگی مطالب کتاب در موارد بسیاری به‌ویژه در مورد ادیانی مانند هندوئیسم، جین، بودایی، سیک، زردشتی با باورمندان و

خبرگان این ادیان در کشور هندوستان گفت‌وگو داشته‌ام. خوشبختانه کتاب غیر از مواردی بسیار معدود با ممیزی زیادی روبه‌رو نشد. بخت یار مترجم و ناشر شد و ممیز فرهیخته‌ای کتاب را بررسی کرد و مجوز داد. البته به صلاح‌دید ناشر یک بخش ۱۵ صفحه‌ای از کتاب (بهائیت) حذف شد که ترجمه آن در دست است و امیدوارم در چاپ‌های بعدی در کتاب بیاید.

چه ضرورتی برای ترجمه کتاب «سیری در ادیان جهان» احساس کردید؟

تا جایی که می‌دانم، تنها کتاب کمابیش مشابه سیری در ادیان جهان، البته از نظر فراگیری مطالب، کتاب تاریخ ادیان جان ناس با ترجمه استاد علی‌اصغر حکمت است که دهه‌ها از تاریخ چاپ آن می‌گذرد. در چند دهه اخیر تحولات شگرفی را در حوزه ادیان شاهد بوده‌ایم. سیری در ادیان جهان (ویراست ۲۰۰۵)، حاصل کار پژوهش روزآمد بیش از هشتاد پژوهشگر است و به همین دلیل جانبداری و یکسویه‌نگری کمتری در مطالب آن دیده می‌شود. این کتاب جدا از ارزش پژوهشی‌اش، امتیازات دیگری دارد از جمله: صفحه‌آرایی، تصاویر رنگی بسیار که حاصل کار هنرمندان گروهی از عکاسان حرفه‌ای است و حاشیه‌های متعدد. سیری در ادیان جهان ادیان باستان، ادیان توحیدی و باورهای قبایل بدوی و گرایش‌های معنوی دنیای امروز را در یک مجلد ۵۴۲ صفحه‌ای با چاپی نفیس به مشتاقان این‌گونه آثار عرضه داشته است.

در مورد زبان ترجمه کتاب هم بگویم که اصل کتاب به قلم انبوهی از نویسندگان نوشته شده و لذا تفاوت سبک در آن اجتناب‌ناپذیر است. این تفاوت کم‌وبیش در ترجمه فارسی هم انعکاس یافته است. در ترجمه بخش‌هایی از کتب مقدس و نیز ترجمه سنگ‌نبشته‌های آشور و بابل و مصر باستان یا فرازهایی از حماسه گیلگمش و نیایش مردوک، تلاش شده که نثری فاخرتر به کار گرفته شود. بسیار امیدوارم که اساتید محترم از راهنمایی‌های ارزشمند خود درباره زبان ترجمه کتاب مرا بی‌نصیب نگذارند.

کمی درباره چاپ نفیس و چهاررنگ کتاب بگویید.

سیری در ادیان جهان در ۵۴۲ صفحه با کیفیت استثنایی و با تصاویر رنگی روی کاغذ گلاسه چاپ شده است. در مقام مترجم کتاب، مایلم از زحمات انتشارات ققنوس و به‌ویژه از جناب امیرحسین زادگان مدیر محترم انتشارات و تیم فنی برای این همه دقت و کار حرفه‌ای تشکر

کنم. به طوری که می‌دانید، ایران ملزم به رعایت حقوق ناشر خارجی نیست. به این دلیل و برخی دلایل اقتصادی مانند پایین بودن غیرمعمول میزان شمارگان کتاب، ناشران و مترجمان انگشت‌شماری اقدام به کسب مجوز از ناشر اصلی می‌کنند. در مورد سیری در ادیان جهان با توجه به قدر و جایگاه اثر، و به رغم تحمیل هزینه اضافی ناشی از خرید امتیاز نشر ترجمه فارسی و نیز انجام کارهای حقوقی ضروری برای عقد قرارداد با ناشر انگلیسی، انتشارات ققنوس اقدام به خرید مجوز از ناشر اصلی نمود. رعایت کپی رایت در صنعت نشر کشور می‌تواند تضمینی باشد برای صیانت از حقوق مترجم و ناشر. ناشر انگلیسی کار را بسیار پسندیده و از کیفیت کتاب و به‌ویژه از طرح روی جلد تجلیل کرده است.

در حال حاضر مشغول چه کاری هستید؟

کتاب پنجه تنتر (کلیله و دمنه) را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده‌ام که قرار است پس از نهای شدن متن منتشر شود. شاید برسید چرا بار دیگر سراغ ترجمه کتابی رفته‌ام که پیش از این بارها و بارها در ایران تجدید چاپ شده است. پنجه تنتر کتاب گرانقدری است و ترجمه‌های کنونی آن با آن که ارزش ادبی دارند برای خواننده معمولی قدری دیرباب‌اند. کتاب را بانو چاندیرامانی از سانسکریت به انگلیسی امروزی ترجمه کرده‌اند و همین ترجمه مبنای برگردان کتاب به فارسی بوده است.

The Anthropology of Religion, Fiona Bowie

Anthropology approaches religion as an aspect of culture. Religious beliefs and practices are important, because they are central to the ways in which we organize our social lives. They shape our understanding of our place in the world and determine how we relate to one another and to the rest of the natural (and supernatural) order. The truth or falsity of religious beliefs or the authenticity or moral worth of religious practices are seldom an issue for anthropologists, whose main concern is to document what people think and do, rather than determine what they ought to believe or how they should behave. An early observation in the anthropology of religion was the extent to which religion and social structure mirror one another. Both the French historian Fustel de Coulanges (1830-89), drawing on classical sources, and the Scottish biblical scholar William Robertson Smith (1846-94), who studied Semitic religions, demonstrated this coincidence in form.¹

انسان‌شناسی دین، فیونا بوئی^۲

انسان‌شناسی دین را وجهی از فرهنگ می‌داند و از این منظر به آن روی می‌کند. اعتقادات و شعایر دینی مهمند، چون کانون شیوه‌هایی هستند که حیات اجتماعی خود را بر مبنای آن‌ها تنظیم می‌کنیم. آن‌ها شناخت ما را از جایگاهمان در جهان شکل می‌دهند و مناسبات ما با یکدیگر و با بخش‌های دیگر نظم طبیعی (و فراطبیعی) را مشخص می‌کنند. صدق یا کذب اعتقادات دینی یا اصالت یا ارزش اخلاقی شعایر دینی به ندرت مورد علاقه انسان‌شناسان است. دغدغه اصلی آن‌ها ثبت اندیشه‌ها و اعمال مردم است نه این‌که مشخص کنند مردم چه اعتقادی باید داشته باشند یا چگونه باید رفتار کنند. ملاحظه اولیه در انسان‌شناسی دین این بود که دین و ساختار اجتماعی تا کجا یکدیگر را بازتاب می‌دهند. مورخ فرانسوی فوستل دو کولانژ^۳ (۱۸۳۰-۱۸۸۹) که بر منابع کلاسیک تکیه می‌کرد و محقق اسکاتلندی کتاب مقدس ویلیام رابرتسون اسمیت^۴ (۱۸۴۶-۱۸۹۴) که ادیان سامی را مطالعه می‌کرد هر دو این انطباق در شکل را نشان داده‌اند.

¹ The World's Religions, 2005, General Editor: Christopher Partridge, translated into Persian by A. Barati

² Fiona Bowie

³ Fustel de Coulanges

⁴ William Robertson Smith

For example, nomadic peoples such as the Bedouin conceive of God in terms of a father and use familial and pastoral imagery to describe their relationship with God. A settled, hierarchical society, by contrast, will depict God as a monarch to whom tribute is due, with imagery of servants and subjects honouring a supreme ruler. These early studies influenced the French sociologist Émile Durkheim (1858-1917), whose book *The Elementary Forms of the Religious Life* (1912) was foundational for later anthropological studies of religion. Rather than seeing religion determining social structure, Durkheim argued that religion is a projection of society's highest values and goals. The realm of the sacred is separated from the profane world and made to seem both natural and obligatory. Through collective rituals people both reaffirm their belief in supernatural beings and reinforce their bonds with one another.

برای مثال، تصور اقوام چادرنشینی همچون اعراب بدوی از خداوند تصویری پدرگونه بوده و آنها برای توصیف رابطه خود با خداوند صور خیال خانوادگی و شبانی را به کار گرفته‌اند. در مقابل، جامعه‌ای مستقر و مبتنی بر سلسله‌مراتب خداوند را چون پادشاه قدرتمندی تصویر می‌کند که تکریم او واجب است و در آن مناسبات بین مردم و خداوند مناسبات بندگان و خادمی است که حکمرانی برتر را فرمانبردارند. این مطالعات اولیه جامعه‌شناس فرانسوی امیل دورکهایم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) را تحت تأثیر قرار داد. کتاب او به نام اشکال ابتدایی حیات دینی^۵ (۱۹۱۲) مبنای مطالعات انسان‌شناسانه بعدی دین شد. دورکهایم دین را فراقینی والاترین ارزش‌ها و اهداف جامعه می‌دانست نه عاملی که ساختار اجتماعی را رقم بزند. قلمرو امر مقدس از جهان دنیوی جداست و امری طبیعی و الزامی می‌نماید. مردم از طریق مناسک جمعی هم بار دیگر اعتقاد خود به موجودات فراطبیعی را تأیید می‌کنند و هم پیوندهای بین خودشان را استحکام می‌بخشند.

⁵ *The Elementary Forms of the Religious Life*